

تبیین تأثیر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر روابط متقابل این کشور و اتحادیه ی اروپا

لیلا مروتنی^۱ - عنایت الله یزدانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۷

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران تغییرات بنیادی ایجاد شد. تقویت برنامه ی هسته‌ای که یکی از نمودهای بارز این تحولات بود، باعث چالش امنیتی اتحادیه ی اروپا در برابر ایران شد. ترس از ایران هسته‌ای، قاره ی سبز را به سمت ائتلاف جدید با ایالات متحده ی آمریکا و حتی تعدادی از همسایگان ایران به خصوص دولت های محافظه‌کار عرب راند. با چرخش در سیاست خارجی اروپا نسبت به ایران، جمهوری اسلامی نیز به بازبینی متحدان و دشمنان احتمالی پرداخت. بر همین اساس مقاله ی حاضر به بررسی محدودیت ها و فرصت های پیش رو در روابط ایران و اتحادیه ی اروپا تحت تأثیر برنامه هسته ای می پردازد. راهبرد اساسی اتحادیه ی اروپا در قبال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی جلوگیری از دست یابی احتمالی ایران به توانایی تولید تسلیحات اتمی است و از ابزارهای لازم از قبیل تحریم، مذاکره و تقویت رقبای ایران هم زمان بهره می گیرد. بخشی از سیاست گذاری خارجی این اتحادیه ی تحت تأثیر روابط ایران با کشورهای چین و روسیه و حتی تقابل یا تعامل احتمالی ایران با ایالات متحده ی آمریکا در میان مدت تغییر یافته است.

واژگان کلیدی: برنامه هسته ای، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، منافع ملی، تهدیدات امنیتی، اتحادیه ی اروپا.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

۲. دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان. yazden2013@gmail.com

مقدمه

مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران بدون شک یکی از طولانی‌ترین مذاکراتی بوده است که در سطح جهانی به طور هم‌زمان بین چند کشور عمده ی اروپایی، اعضای دائم شورای امنیت و ایران برگزار شده و پس از هر دور ادامه مذاکرات به مرحله ی بعد موکول شده است. طولانی تر شدن این مذاکرات باعث افزایش نگرانی طرفین و حضور نیروها و بازیگران دیگر به عرصه ی روابط طرفین و سیاست خارجی آن‌ها شده است. با علنی شدن برنامه هسته ای ایران بسیاری از کشورهای اروپایی به مخالفت با این برنامه پرداختند و از سوی دیگر مخالفان برنامه هسته ای چه در سطح داخلی و رقباى منطقه ای جمهوری اسلامی و اسرائیل و ایالات متحده ی آمریکا، در تقویت موضع اتحادیه ی اروپا نسبت به کنترل برنامه هسته ای ایران نقش داشتند. راهبرد اساسی اتحادیه ی اروپا در قبال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی، جلوگیری از دست یابی احتمالی ایران به توانایی تولید تسلیحات اتمی است و از ابزارهای لازم از قبیل تحریم و مذاکره و تقویت رقباء ایران هم‌زمان بهره می‌گیرد. بخشی از سیاست گذاری خارجی این اتحادیه ی تحت تأثیر روابط ایران با کشورهای چین و روسیه و حتی تقابل یا تعامل احتمالی ایران با ایالات متحده ی آمریکا در میان مدت تغییر یافته است اما تدوین استراتژی راهبردی این قاره در قبال جمهوری اسلامی با حل مسأله هسته ای پیوند خورده است. ایران نیز با رد هرگونه برنامه غیر صلح آمیز هسته ای برحق استفاده ی مسالمت آمیز از انرژی هسته ای تأکید دارد. تقابل این دو دیدگاه در طولانی مدت باعث واگرایی منافع امنیتی و اقتصادی ایران و اروپا نسبت به هم دیگر شده است و با تغییر در دیدگاه‌ها، سیاست خارجی طرفین نیز تغییر یافته و ظهور و دخالت بازی‌گران جدید منطقه ای و بین‌المللی در صحنه ی سیاست خارجی دو طرف، واگرایی ایران و اروپا را تشدید کرده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که برنامه ی هسته ای ایران چه تأثیری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال

اتحادیه ی اروپا گذاشته است؟ فرضیه این است که برنامه هسته ای ایران باعث واگرایی در روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه ی اروپا شده است.

چهارچوب نظری

تحلیل روابط کشورها و امکانات و محدودیت آن ها و تغییراتشان در عرصه ی داخلی و بین المللی بر اساس مدل های گوناگون امکان پذیر است. هر کدام از این نظریه ها از قبیل رفتارگرایی، تصمیم گیری، کثرت گرایی و سنت گرایی در درون گزاره های حکومت، بازی گران سیاسی و الزامات ساختار بین الملل اهمیت دارند. چهارچوب نظری پژوهش مورد نظر بر اساس مدل سازه انگاری^۱ است که در آن هم روش بازی گران سیاسی و هم هویت آنان مورد توجه قرار می گیرد. یعنی نوعی تعامل میان ساختار و کارگزار وجود دارد که نشان دهنده ی ارتباط بین ساختارهای اجتماعی، پیامدها و تأثیر متقابل آن با رفتار کنش گران سیاسی یعنی حکومت کننده است. بر اساس این مدل عوامل فکری، فرهنگی، هنجارها و ارزش های موجود در نظام اجتماعی هم علت و هم معلول فرهنگ سیاسی حاکم بر نظام سیاسی هستند.

در این تعریف هویت کنش گران حائز اهمیت است. براین اساس، هویت داخلی و هنجارهای بین المللی بر رفتارکنش گران سیاسی تأثیرگذار است و اعمال آن ها را در نظام بین الملل و سیاست خارجی می سازد. «هویت ها را نمی توان جدای از بستر اجتماعی شان تعریف کرد چرا که آن ها ذاتاً اموری رابطه ای هستند. هویت های اجتماعی برداشت هایی خاص از خود و موقعیت خویش را در ارتباط با سایر کنش گران نشان می دهند و از این طریق منافع خاص را تولید می کند که به تصمیمات سیاست گذاری شکل می دهند. این که خود را دوست، دشمن یا رقیب دیگری بداند تفاوت بسیار در تعامل آن ها ایجاد

خواهد کرد. از نظر آن‌ها هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد، جهان خود را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و آن‌ها را دوست و یا دشمن تعریف کنند. دولت‌ها با این تصورات درصدد تغییر و یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و یا علیه دیگران اقدام می‌کنند» (آقایی، ۱۳۸۸: ۴).

دولت در مدل سازه‌انگاری اهمیت ویژه دارد و حتی نقش کنش‌گران حکومتی که نماینده‌ی ساختار سیاسی هستند به مراتب بیشتر از کنش‌گران غیردولتی است چراکه؛
(۱) دولت‌ها هم‌چنان مهم‌ترین واحد سیاسی و بازی‌گر اصلی نظام در تبیین تعاملات بین‌المللی هستند. زیرا حاکمیت و اقتدار معمول بر اساس اصول دولت محوری قرار گرفته است و دولت‌ها هستند که به واسطه عملکردهای خود، ساختار بین‌المللی را پدید می‌آورند.

(۲) روابط بین‌الملل بی‌قاعده نیست بلکه از یک سری اصول و قواعدی پیروی می‌کند. روابط بین‌الملل تعدادی از کنش‌گران سیاسی را در بر می‌گیرد که در تعامل متقابل با یک‌دیگر هستند. این تعامل متقابل و مستمر بر اساس قواعد و هنجارهایی که به صورت بین‌الذهانی شکل گرفته‌اند، صورت می‌پذیرد (ازغندی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

در پارادایم سازه‌انگاری مفاهیم امنیت ملی، منافع ملی، دوست و دشمن مشترک، استراتژی بلندمدت، بحران و غیره درچارچوب هنجارها و ارزش‌ها معنا پیدا می‌کنند. در این پارادایم که در قرن بیستم توسط اندیشمندانی چون اونف، ونت، اشلی و واکر مطرح شده واقعیات سیاست خارجی کشورها مبتنی بر الگوهای ذهنی است که در عمل با جهت‌گیری سیاست‌مداران برای ایجاد همکاری و ائتلاف یا منازعه بروز می‌کند و نظام سیاسی با تکیه بر مفهوم هویت به تمام ذهنیت‌های خود جهت می‌بخشد و عمل می‌کند.

گرچه اتحادیه ی اروپا از منظر هویتی، برنامه هسته ای ایران را تهدید علیه منافع امنیتی خویش تلقی می کند اما سیاست خارجی اتحادیه انتخاب های جدیدی دارد که در چارچوب رهیافت های تلفیقی واقع گرایی، ایدآلیسم و سازه انگاری آن ها را دنبال می کند.

سیاست هسته ای ایران

یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پیشبرد سیاست هسته ای است. «ایران با رشد سالانه شش تا هشت درصد تقاضا برای الکتریسیته و افزایش جمعیتی که تا سال ۲۰۲۵ م. به ۱۰۰ میلیون نفر می رسد، نمی تواند صرفاً بر منابع نفت و گاز خود برای تولید الکتریسیته تأکید کند» (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۸۴). ایران با بهره گیری از انرژی هسته ای خواهان کاهش صادرات نفتی و سوخت فسیلی و آسیب های زیست محیطی ناشی از آن است.

سیاست هسته ای ایران به دوران محمدرضا شاه پهلوی بازمی گردد که مبتنی بر کسب امتیاز از دوبروک در فضای جنگ سرد بود. دولت ایران در ۱۹۵۸ م. به آژانس بین المللی انرژی اتمی پیوست و در ۱۹۷۴ م. سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس شد. ایران هم چنین در ۱۹۷۰ م. پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای NPT را امضا کرد. لازم به یادآوری است که این پیمان دارای ۱۱ ماده است که از جمله مهم ترین آن ها، استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای است اما به علت ضعف در ضمانت اجرای NPT و نارسایی های سیستم نظارتی آژانس بین المللی انرژی اتمی در کنترل کشورهای عضو، شورای حکام و دبیرخانه آژانس پس از چند سال تلاش (۱۹۹۳-۱۹۹۷ م.) بالاخره در ۱۹۹۷ م. مکانیسم های حقوقی برای سیستم نظارت و بازرسی آژانس ایجاد کردند که به برنامه (۲+۹۳) یا پروتکل الحاقی معروف شد که «دارای یک مقدمه و ۱۸ ماده است» (نوبین، ۱۳۸۵: ۱۱۱). ایران پروتکل الحاقی را در ۲۰۰۳ م. امضا کرد. بعدها در ادامه ی

سیاست هسته ای قانون دست یابی به فناوری صلح آمیز هسته ای توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد و به تأیید شورای نگهبان رسید و ۲۰ فروردین به عنوان روز ملی فناوری هسته ای در ایران شناخته شد. هم چنین بر لزوم استفاده از تحقیق و بهره وری از امکانات داخلی و بین المللی جهت اهداف صلح آمیز هسته ای از جمله تولید بیش از بیست هزار مگاوات برق هسته ای تأکید شد.

در ادامه ی اختلافات حقوقی، سیاسی و تکنیکی جمهوری اسلامی با گروه مذاکره

کننده ۵+۱، ایران چند سیاست عمده را در چارچوب برنامه هسته ای دنبال کرده است:

۱- عدم تعلیق غنی سازی و تأکید بر حق غنی سازی؛

۲- نهایی شدن چارچوب عدم خروج از NPT و تصویب پروتکل الحاقی؛

۳- تضمین عدم پیگیری سلاح کشتار جمعی؛

۴- تأکید بر صلح آمیز بودن چرخه ی سوخت هسته ای؛

۵- تلاش جهت عدم ارجاع پرونده ی هسته ای به شورای امنیت؛

۶- جلوگیری از نظامی شدن پرونده ی هسته ای؛

۷- توسل به شیوه ی دیپلماسی و مذاکرات چند جانبه؛

۸- یافتن متحدان و موافقان با برنامه هسته ای.

بر همین اساس در سال ۲۰۰۳.م ایران موفق شد، حمایت سه کشور اروپایی مذاکره کننده را در مقابل آمریکا کسب کند. «علاوه براین نوعی شکاف بین غرب و شرق نیز ادامه یافت. تماس های گسترده با روسیه و چین و هم چنین فعالیت دیپلماتیک با کشورهای غیرمتعهد شرایط نسبتاً مناسبی را برای ایران در آژانس به وجود آورده بود. بیانیه های مکرر غیرمتعهدا به نفع ایران و سخنان آن ها در اجلاس شورای حکام تا حدی تأثیرگذار بود و کار را برای آمریکا و متحدانش کمی سخت کرده بود. ارجاع پرونده به شورای امنیت، تحریم اقتصادی و به ویژه حمله ی نظامی به ایران در شمار همین اختلاف ها بود که

فضای دیپلماسی را برای پیش برد اهداف جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش مهیا می ساخت» (روحانی، ۱۳۹۱: ۶۶۵).

سیاست هسته ای جمهوری اسلامی علی رغم قطع نامه های مکرر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و تصویب قطع نامه های ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، ۱۴۴۷ و ۱۸۳۵ شورای امنیت و تحریم های گروه ۵+۱ تغییر اساسی نکرده است و حتی در مقابل ارائه پیشنهادی چون طرح تایم اوت، طرح پیشنهادی ۶ ژوئن (بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ م. شش کشور)، طرح ۵ اوت سه کشور اروپایی (۲۰۰۵ م.)، طرح سوییس، طرح پیشنهادی ۱۴ ژوئن (۲۰۰۸ م.) و انواع تضمین های عرضه ی سوخت و تضمین های امنیتی و آمادگی رسمی در مشارکت در برنامه ساخت نیروگاه های هسته ای ایران و مبارزه با تروریسم و امنیت منطقه ای و حمایت بلندمدت از برنامه هسته ای غیرنظامی ایران توسط سه کشور غربی، مقاومت کرده است. «دولت جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عناصر سیاست هسته ای خود مبنی بر نپذیرفتن پیشنهاد تعلیق در برابر تعلیق و هم چنین تأکید بر دست یابی بر چرخه ی کامل سوخت هسته ای به رد این پیشنهادات پرداخته و با ایجاد رویه در این مورد، سیاستی مقاومت جویانه را از خود به نمایش گذارده است» (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۸۰).

ایران برای تقویت موضع هسته ای خویش در جستجوی متحدان منطقه ای بین المللی است. تنش زدایی و همکاری متقابل و مخالفت با روند تک قطبی و تلاش برای چند جانبه گرایی در راستای سیاست هسته ای صورت می گیرد. افکار عمومی دنیای اسلام به عنوان حامی معنوی برنامه هسته ای برای جمهوری اسلامی نیز در اولویت است چراکه «مخاطبان اسلام فرا ملی، فرا قومی و فرا زمانی هستند و بنابراین امروزه کم و بیش در تمام قاره های جهان می توان پیروان این دین را شناسایی کرد» (عالمی نیسی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

«برهمن اساس بخش مهمی از سیاست هسته ای ایران در راستای مشروعیت بخشی به برنامه هسته ای در بین ملل مسلمان به عنوان یک حق بنیادین صورت گرفته است که از

طریق تعریف امنیت دسته جمعی امت اسلامی در برابر جهانی شدن طرح شده است. در سیاست های کلی جمهوری اسلامی «ارائه مفاهیم جدید در زمینه امنیت ملی، جنگ های پیشگیرانه، تروریسم، امنیت اقتصادی و حقوق بشر باعث هنجارسازی هایی در این زمینه ها شده و رسانه های گروهی نقش موثری در آماده سازی افکار بین المللی ایفا می نمایند» (نهادن‌دیان، ۱۳۸۶: ۷۸).

برنامه هسته ای ایران و انتقال انرژی و صادرات نفت به اروپا

یکی از جنبه های تأثیرپذیر از سیاست هسته ای ایران، روند صادرات نفت، گاز و انتقال انرژی است. «در بین منابع مولد انرژی، نفت موقعیت ویژه ای دارد. این امر به دلیل امکانات زیاد نفت از نظر تجمیع منابع، فراوانی، ارزان بودن و فرآورده های زیاد آن است. به همین دلیل است که در بین کلیه مواد مولد انرژی، این ماده طبیعی جنبه استراتژیک دارد» (عزتی، ۱۳۸۰: ۹۵).

ژئوپولیتیک ایران به طور ذاتی برای اروپا اهمیت دارد. این اهمیت، زمانی بیشتر می شود که عمده ی واردات انرژی اروپا از معبر تنگه ی هرمز و خلیج فارس صورت می گیرد. «خلیج فارس دارای ذخایر بزرگی از نفت است. ذخایر نفتی منطقه تا ۵۶۵ میلیارد بشکه برآورد می شود که ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی جهان (۱۹۸۷م) شمرده می شود. ذخایر گاز طبیعی منطقه تا ۳۱ تریلیون مترمکعب برآورد شده که ۳۰ درصد کل ذخایر گاز طبیعی جهان است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۴). سیاست هسته ای جمهوری اسلامی باعث تغییر در صادرات نفت از ایران به اروپا شد.

با کاهش صادرات نفت ایران قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مانند شورای همکاری خلیج فارس، اعضای اپک و روسیه قدرت چانه زنی خود را بالا بردند و اروپا را در حالت انفعالی قرارداده اند که برای سران سیاست خارجی اروپا مطلوب نیست. به

خصوص که تجربه ی ناخوشایند تحریم نفتی را در دهه ی ۱۹۷۰م داشته اند و از میزان وابستگی خود به این ماده استراتژیک آگاهی دارند.» در زمان اعمال آخرین تحریم که ظاهراً فقط متوجه هلند و ایالات متحده ی امریکا می شد ولی در واقع کلیه ی کشورهای اروپایی را تحت تأثیر قرار می داد، بریتانیا بیش از ۷۵ درصد، فرانسه ۸۰ درصد، آلمان غربی ۸۵ درصد و ایتالیا ۹۰ درصد از واردات نفتی خود را از خاورمیانه و شمال آفریقا تامین می کردند» (درایسدل، ۱۳۷۰: ۴۸۹). در حال حاضر هنوز کشورهای اروپایی جز واردکنندگان عمده ی انرژی از خلیج فارس هستند. نیاز آنان به نفت و گاز باعث شده که اتحادیه ی اروپا به واردات گاز از روسیه وابسته باشد. «در حال حاضر روسیه تامین کننده ی ۴۰ درصد نیاز وارداتی اتحادیه ی اروپا به گاز طبیعی و ۳۰ درصد نفت است. در مجموع این دو محصول ۵۵ درصد صادرات، ۴۰ درصد درآمد و ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه را تشکیل می دهد» (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۱). منابع گازی و نفتی ایران، اروپا را از گاز روسیه بی نیازی می کند اما سیاست هسته ای و تحریم نفتی ایران بخش مهمی از این معادله را برهم زده است.

تهدیدات مکرر ایران به مسدود کردن تنگه ی هرمز گرچه از منظر حقوق بین الملل قابل بحث است اما آثار سیاسی آن نه تنها خاورمیانه بلکه بازی گران بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهد. از جمله ایالات متحده ی آمریکا که احتمالاً در قالب نیروهای واکنش سریع واکنش نشان خواهد داد.» در واقع هدف ایجاد نیروی واکنش سریع عبارت از یک ابزار نظامی برای جلوگیری از قطع دسترسی مطمئن ایالات متحده ی و دوستان آن به نفت خلیج فارس است» (اسدی، ۱۳۸۲: ۴۵۷).

اتحادیه ی اروپا در برابر چالش هسته ای ایران و بازتاب آن بر فرآیند انتقال انرژی نسبت به ایالات متحده انعطاف بیشتری دارد، چرا که اروپاییان از خطرات و تهدیدهای احتمالی ناشی از عملکرد نظامی آمریکا در خلیج فارس و آثار منفی آن بر آینده ی اتحادیه

آگاهی دارند و به جای تأکید بر گزینه ی نظامی بر تشدید تحریم ها و فشارهای دیپلماتیک و سیاسی اصرار دارند (Shelala, 2013: 27-28). نگرانی عمده ی غرب این است که با اختلال در صدور انرژی، بحران مالی و اقتصادی جهان غرب تشدید شود. اصولاً اگر به مدت ۲ الی ۳ ماه صدور نفت منطقه به طور فرضی قطع شود، اقتصاد جهانی به طور کامل فرو می پاشد. کارشناسان انرژی می گویند که در صورت یک بحران جدی یا منازعه در منطقه ممکن است، قیمت جهانی نفت به بالای ۲۰۰ دلار برسد (http://peace_ipsc.org).

راهبرد سیاسی امنیتی اتحادیه ی اروپا نسبت به برنامه ی هسته ای ایران

مهم ترین تهدیدها ی ناشی از برنامه هسته ای ایران از نظر اتحادیه ی اروپا عبارتند از: ایران هسته ای؛ افزایش گروه های تروریستی و تقویت مواضع نظامی آن ها؛ اختلال در صدور انرژی به غرب؛ احتمال بروز جنگ در منطقه ی خاورمیانه؛ افزایش غرب ستیزی در کشورهای خاورمیانه؛ افزایش نفوذ روسیه و چین در خاورمیانه و کاهش قدرت اروپا در این منطقه؛ عدم توازن قوا در سطح بین المللی و تقویت قدرت های نوظهور عربستان و ترکیه در مقابل برنامه ی هسته ای جمهوری اسلامی. اتحادیه ی اروپا جهت کاهش تهدیدهای امنیتی ناشی از برنامه هسته ای ایران سیاست های راهبردی منطقه ای و فرامنطقه ای را تنظیم کرده است که عبارتند از:

الف-سیاست خاورمیانه ای شامل ایجاد ائتلاف ها و سیاست توازن منطقه ای و امنیت در خاورمیانه

اتحادیه ی اروپا جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از برنامه هسته ای ایران سیاست توازن منطقه ای و همکاری با کشورهای هم جوار ایران را تقویت می کند. اتحادیه با توسل به ارزش های اروپایی از قبیل حقوق بشر، لیبرالیسم، فرهنگ گرایی و اجتناب از جنگ و صلح طلبی، خواهان نفوذ آرام و تدریجی در بین کشورهای خاورمیانه است. طرح

خاورمیانه ای اروپا که مبتنی بر اصل مشارکت با کشورهای منطقه، حل مسالمت آمیز مسأله ی فلسطین، ترویج دموکراسی و تقویت حقوق بشر است، چشم انداز روابط این قاره را به همسایگان ایران نزدیک می کند. سیاست های ترکیه محور و عربی محور اروپا، ایران را در موضع انفعالی قرار می دهد. ترکیه به عنوان همسایه ی مسلمان ایران که رقابت سیاسی، امنیتی و تجاری با جمهوری اسلامی دارد و هم زمان عضو ناتو و سازمان کنفرانس اسلامی است به عنوان مدلی مناسب برای طرح خاورمیانه ای اروپا در زمینه حقوق بشر و تلاش برای دموکراسی و حتی اسلام میانه رو است. هم چنین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عربستان سعودی به عنوان شرکاء اقتصادی و تجاری اروپا نفوذ ایران را در عرصه ی صدور انرژی کاهش می دهند و قدرت چانه زنی سه کشور مذاکره کننده ی اروپایی را در برابر برنامه هسته ای ایران بالا می برد. مواضع مشترک اتحادیه ی اروپا و سه کشور قدرتمند منطقه یعنی ترکیه، مصر و عربستان از روند صلح فلسطین و اسراییل و بهار عربی و تحولات سوریه با سیاست خاورمیانه ای ایران هم سو نیست.

اتحادیه ی اروپا تلاش می کند خطر ایران هسته ای را از طریق عربستان، مصر، ترکیه و پاکستان مهار کند. همه ی این کشورها در عین الزامات اقتصادی و امنیتی با ایران رقیب آن هم تلقی می شوند. بنابراین ایجاد میزانی از واگرایی بین منافع ایران و این کشورها بخش مهمی از هدف اتحادیه ی اروپا را تامین می کند (Lasan, 2014: 50). اوج این واگرایی تمایل عربستان به سمت هسته ای شدن است که تمام معادلات خاورمیانه ای ایران را برهم خواهد زد. هم چنین پاکستان نیز به عنوان یک کشور سنی مذهب هسته ای خواهان مهار ایران است. از نظر کشورهای سنی منطقه، ایران خواهان تشکیل هلال شیعیه از لبنان تا پاکستان به رهبری خویش است. آنان هم چنین از قدرت ایدئولوژیک و تلقی دین گرایانه ایران در منطقه به عنوان یک عامل تجدید نظر کننده نگران هستند چراکه «مذهب

شیعه براساس روح رومانیتیک وکنش قیامت نگر خود درصدد انجام تغییرات بنیادین در نگرش و رفتار مسلمانان خاورمیانه بوده است» (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

از نظر اتحادیه ی اروپا، تهدیدات ایران هسته ای کشورهای مهم همسایه را به سمت همکاری متقابل علیه ایران هدایت می کند، گرچه مسأله ی اعراب و اسراییل برای اروپا اولویت استراتژیک تلقی نمی شود، درمقابل فلسطین عمق راهبردی جمهوری اسلامی در خاورمیانه است اما اتحادیه ی اروپا بیم دارد که گروه های حزب الله لبنانی و فلسطینی به تسلیحات اتمی یا شیمیایی ایران دسترسی پیداکنند، به همین دلیل با اعلام نام حزب الله لبنان در لیست گروه های تروریستی عملاً حلقه ی دوستان و متحدان ایران را محدود می کند. سیاست خاورمیانه ای اتحادیه ی این است که از طریق همسایگان، ایران را کنترل بدون آن که هزینه ی سیاسی و اقتصادی پرداخت کند.

ب- ایجاد تعامل و کاهش تنش با ایران

اتحادیه ی اروپا تمایل دارد که از ابزار دیپلماسی و تعامل جهت حل بحران هسته ای ایران استفاده کند. چرا که از یک سو گزینه نظامی در دراز مدت مشروعیت و اقتدار اروپا را بین ملل مسلمان و افکار عمومی جهانی تحت تأثیر قرارمی دهد و از سوی دیگر اروپا و ایران دارای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی مشترک در خاورمیانه هستند. «واقعیت این است که ایران در خاورمیانه متحد راهبردی ندارد. موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ایران را نیازمند سیاستی پیچیده و چند بعدی نموده است» (نصری، ۱۳۸۲ : ۱۸۹). اتحادیه ی اروپا بدیل مناسبی جهت توازن قوا در برابر ایالات متحده ی آمریکا برای ایران است.

بسیاری از تهدیدهای امنیتی اروپا در خاورمیانه برای ایران هم خطر تلقی می شود. تعامل و همکاری دوطرف آسیب ها و نقاط ضعف دیگری را کاهش می دهد. عواملی از قبیل خطر تروریسم سنی، پاکستان هسته ای و احتمالاً عربستان مجهز به تسلیحات اتمی،

بی ثباتی در عراق و افغانستان، مشکلات مصر و بهار عربی چالش های مشترک اروپا و ایران هستند. راه حل آن ها هم می تواند مشترک باشد.

اروپا از گسترش جنبش سلفی گری و تروریسم القاعده نگران است. عربستان و پاکستان گرچه با اروپا روابط نزدیک دارند و کمک های نظامی و مالی از غرب دریافت می کنند اما در عمل نتوانسته اند تروریسم داخلی را سرکوب کنند. در صورتی که اروپا و ایران در مبارزه با تروریسم متحد شوند، بسیاری از معادلات عربستان و پاکستان تضعیف خواهد شد. این امر مشروط به حل مسأله ی هسته ای و رفع تحریم ها علیه ایران است.

بازار اقتصادی اروپا و صادرات نفت ایران نقطه ی اشتراک دو طرف است. پرونده هسته ای باعث نفوذ رقبای اتحادیه ی اروپا، از جمله چین و روسیه در اقتصاد ایران شده است. تنش زدایی بین اروپا و ایران از نفوذ این دو کشور می کاهد. ایران از منظر ژئوپولیتیک و هویتی برای اتحادیه ی اروپا نیز اهمیت دارد. در صورت ورود ترکیه به اتحادیه ی اروپا، ایران با اروپا مرزهای مشترک خواهد داشت (Lasan, 2014: 57). هرگونه بحران، ثبات یا حتی هویت ملی و دینی در ایران مرزهای اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از نظر اتحادیه هم جواری با ایران هسته ای سیاست های خاورمیانه ای اتحادیه را تغییر خواهد داد. اتحادیه ی اروپا بر اساس سیاست خاورمیانه ای خواهان ارتقاء حقوق بشر و ترویج دموکراسی در ایران است و این امر را از طریق دیپلماسی و تعامل دنبال می کند. چرا که از نظر اتحادیه ثبات سیاسی کشور ایران وابسته به مفهوم حقوق بشر، عدم حمایت از تروریسم و تعامل در برنامه هسته ای است و امنیت بخش مهمی از خاورمیانه در گرو ثبات این کشور است. در نتیجه تأمین امنیت اروپا از طریق تعامل با ایران و جلوگیری از هسته ای شدن آن امکان پذیر است.

ج- ایجاد نظام چند قطبی، کاهش قدرت آمریکا در خاورمیانه و افزایش قدرت سازمان ملل.

سیاست های آمریکا در قبال ایران باعث تلاش اروپاییان جهت بازسازی استراتژی سیاست خارجی خویش در مقابل جمهوری اسلامی شده است. روند دنباله روی اروپا از آمریکا در سیاست های خاورمیانه ای باعث نارضایتی تعدادی از کشورهای اروپایی شده است. سیاست امنیتی- دفاعی مستقل اروپا در مقابل تمایلات یک جانبه گرایانه ایالات متحده ی آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران دورنمای امنیتی اروپا را با چالش روبه رو کرده است. تمایل به کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه به قبل از علنی شدن برنامه هسته ای ایران باز می گردد. با سقوط شوروی در ۱۹۹۱ م. در واقع یکی از بزرگ ترین چالش های امنیتی اروپاییان هم حل شد و نیازی به چتر حمایتی ایالات متحده ی آمریکا نمی دیدند. در واقع «با پایان جنگ سرد منطقی بود که روابط امنیتی اروپا - آمریکا تغییر کند. با توجه به از میان رفتن هر تهدید کلان نسبت به امنیت اروپا دیگر آنان تمایل کمی داشتند که اتحادی پیچیده را که همراه با رفتارهای تردید آمیز و دوگانه آمریکا بود، تحمل کنند» (شورای غیردولتی روابط خارجی وابسته، ۱۳۸۲: ۱۱۹). تلاش برای تشکیل ارتش مستقل اروپایی و تقویت نیروهای واکنش سریع و گسترش پروژه ی سیاست خارجی مشترک و پیمان اتحادیه ی اروپای غربی در راستای استقلال اروپا در برابر ایالات متحده ی آمریکا بود. سیاست خارجی و امنیتی مشترک CFSP اتحادیه ی اروپا هم که پس از پیمان ماستریخت و نزدیکی آلمان و فرانسه شکل گرفت، مانعی اساسی در روابط اروپا با ایالات متحده ی آمریکاست چراکه « با تکمیل پروژه سیاست خارجی و امنیتی مشترک CFSP ممکن است، توازن در برابر سیاست خارجی ایالات متحده ی ایجاد شود و هم چنین احتمال دارد گزینه های سیاسی آمریکا هم در داخل و هم خارج اروپا محدود شود. این نگرش مورد حمایت رهبران اروپایی قرار دارد که خواستار جهان چند قطبی در برابر دنیای تک قطبی به سرکردگی ایالات متحده ی هستند» (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). به خصوص که در

میان اعضا بریتانیا با تمایلات فراآتلانتیک به شدت بر دیگر اعضا جهت اجماع بر تحریم ایران نفوذ گذاشته است.

پس از حمله ی عراق به کویت اتحادیه ی اروپا به این نتیجه رسید که چنان چه ایران پاره ای ملاحظات را به حساب آورد، در کشمکش اروپا و آمریکا می تواند برگ ارزنده ای برای اروپاییان محسوب شود. به همین دلیل بود که مذاکرات انتقادی خود را از سال ۱۹۹۲ م. با ایران شروع کردند» (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

با علنی شدن برنامه هسته ای روابط ایران و اروپا دچار تنش شد اما روی کرد آمریکا باعث شده است، قدرت های بزرگ اروپایی علی رغم تنش با ایران، خواهان حل مستقل بحران هسته ای بدون حضور نظامی ایالات متحده ی باشند. اتحادیه ی اروپا جهت حل مسالمت آمیز پرونده هسته ای ایران خواهان کاهش نفوذ ایالات متحده ی آمریکا در منطقه ی خاورمیانه و اتخاذ تصمیم مستقل اروپایی مبتنی بر گزینه غیر نظامی در مقابل برنامه هسته ای جمهوری اسلامی است. تأکید اتحادیه ی اروپا بر نقش شورای امنیت و حضور فرانسه و انگلیس به عنوان اعضای دایم دارای حق وتو نیز به نوعی اجتناب این قاره از گزینه نظامی آمریکایی - اسرائیلی علیه ایران تلقی شده است چراکه از نظر آنان هرچند تحریم های شورای امنیت ایران را در موضع انفعالی قرار می دهد اما اقدامات نظامی یک جانبه گرایانه ی آمریکا و اسرائیل را نیز کنترل خواهد کرد. بر همین اساس وقتی «پرونده هسته ای ایران برای اولین بار در خرداد ۱۳۸۲ به طور رسمی در شورای حکام آژانس مطرح شد» (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰۰) و قطع نامه های شورای امنیت علیه ایران در ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ م. تصویب شد، اعضای اتحادیه ی اروپا آن را اعمال کردند هرچند منتقدان معتقدند که شورای امنیت می تواند با توسل به فصل ۷ منشور ملل متحد، به عملیات حفظ صلح اقدام کند. «عملیات حفظ صلح به مجموعه عملیات سازمان یافته نظامی و یا غیر نظامی سازمان ملل متحد اطلاق می شود که به منظور پیشگیری از

مخاصمات و یا محدود کردن مخاصمات، کاهش مخاصمات و یا پایان بخشیدن به مخاصمات - اعم از مخاصمات میان کشورها با یکدیگر یا مخاصمات غیر بین‌المللی - و به طور کلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۵۰). هم‌چنین اتحادیه‌ی اروپا خواهان تقویت نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل و تدوین و اجرای کنوانسیون‌های خلع و محدودیت سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه‌ی خاورمیانه است (Denza, 2005: 293). نقش هرکدام از این فاکتورها قدرت آمریکا، نیروی مہارنشدنی اتمی و عدم ثبات در خاورمیانه را کاهش خواهد داد.

تأثیر سیاست هسته‌ای ایران بر روابط گروه‌های تروریستی با اتحادیه‌ی اروپا

تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه یکی از تهدیدات امنیتی علیه منافع اروپاست چراکه این امر با گسترش بنیادگرایی و تروریسم در ارتباط است «مرکز تروریسم جدید منطقه‌ی خاورمیانه، نیروی هدایت‌کننده آن رادیکالیسم سنی و نماینده آن القاعده است» (برزگر، ۱۳۸۶: ۱۴۹). گروه‌های رادیکال سنی چند سود عمده را در بحران هسته‌ای ایران خواهند داشت: ۱- در صورت هرگونه عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، آن‌ها از موضع دفاع از یک کشور مسلمان (ایران) به مقابله با غرب می‌پردازند و احتمالاً جایگاهی در میان ملل اسلامی کسب خواهند کرد؛ ۲- تضعیف ایران از سوی اروپا و آمریکا باعث تقویت موضع گروه‌های تروریست و رادیکال سنی خواهد شد چراکه از نظر رهبران القاعده شیعیان بعد از آمریکا، اسرائیل و اروپا بزرگ‌ترین دشمن هستند حتی ابومصعب الزرقاوی رهبر شاخه عراقی القاعده اعتقاد داشت که «شیعیان دشمنان در کمین نشسته‌اند، دشمنی که لباس دوست برتن کرده است. شیعیان خطری آشکار و حقیقی‌اند و قتل آن‌ها از خوارج واجب‌تر است» (تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۳۷). با این دیدگاه سازمان القاعده علاوه بر غرب منافع ایران را مورد تهدید قرار داده است و از هر وسیله‌ای برای ضربه به

آن‌ها استفاده کرده است و حتی کارخانه‌ی تسلیحات شیمیایی بن لادن در سودان در راستای این هدف تاسیس شده بود. از جمله مسائل مورد تأیید اسامه بن لادن این بود که دست‌یابی به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی با توجه به اشغال اراضی مقدسی هم چون عربستان و فلسطین به دست نیروهای امریکایی و اسرائیلی به هیچ وجه جرم محسوب نمی‌شود.» (خلیل اسعد، ۱۳۸۰ : ۱۴۴) واگرایی در روابط ایران و اروپا باعث تقویت موضع نیروهای تروریست در خاورمیانه می‌شود. به ویژه که امروز تروریسم تهدید جهانی تلقی می‌شود و اجماعی بین‌المللی برای مقابله با آن ضروری است.» خطر عمده‌ی تروریسم با سلاح‌های کشتارجمعی در این است که با کاربرد سلاح ضد موشک یا استراتژی ضربه دوم هم نمی‌توان با آن مقابله کرد» (سیف زاده، ۱۳۸۲ : ۲۷۹).

از نظر اروپا رادیکالیسم اسلامی در راستای فرآیند تکمیل نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون است که اسلام را در مقابل مسیحیت قرار می‌دهد و تمدن‌های یهودی (اسرائیل) و کنفوسیوسی (چین) نیز هرکدام به سمت یکی از دو طرف گرایش دارند. هویت دینی ایران برای اروپا مهم است. با چنین دیدگاهی ایران یکی از مراکز غرب ستیز تلقی می‌شود که فرضیه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون را تقویت می‌کند. انکار هولوکاست و حمله‌ی به سفارت انگلستان در ایران نیز بخشی از فرآیند مقابله هویت اسلام‌گرا و تمدن مسیحی و یهودی تلقی شده است. هم‌چنین تلاش ایران جهت رهبری بر جهان اسلام و تشکیل بلوک مسلمان علیه بلوک غرب نیز بخشی از این رویکرد به حساب می‌آید. هرچند در درون تمدن اسلامی نیز چالش‌های فرقه‌ای و مذهبی باعث واگرایی ملل اسلامی نسبت به هم شده است و عملیات تروریستی در کشورهای بی‌ثبات عراق، افغانستان، پاکستان و سوریه و لبنان، ایران را به سمت مسابقه‌ی تسلیحاتی با رقبای منطقه‌ای چون عربستان، ترکیه و پاکستان می‌کشاند.

ایران در عین حال معتقد است که عربستان در تجهیز نیروهای تروریستی علیه منافع جمهوری اسلامی نقش دارد و گرچه متحد غرب محسوب می‌شود ولی مرکز صدور رادیکالیسم و افراط‌گرایی اسلامی است. بنابراین تهدیدهای امنیتی علیه اروپا و آمریکا نه از سوی ایران بلکه عمدتاً از ناحیه عربستان و پاکستان و دیگر متحدان اروپا و آمریکا در خاورمیانه است. در مقابل تلقی آمریکا و اروپا از تروریسم و امنیت نیز به سمت هویت‌گرایی متمایل شده است. «جمله‌ی معروف بوش که درجنگ با تروریسم دیگران یا با ما هستند یا ضد ما تا حدودی منشاء‌گرفته از نگاه هویتی به پدیده‌ی امنیت است. نتیجه این نوع نگاه به خود، امنیتی‌نگریستن به دیگران می‌شود و لذا صرفاً توانایی‌های دیگران مبنای تهدید آمریکا نبوده و ارزش‌ها و هنجارهای دیگران نیز تهدیدآمیز است» (امینی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

برنامه هسته‌ای ایران؛ تقابل منافع اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا با چین و روسیه

در ابتدای قرن بیست و یکم در بعد جهانی نوعی توازن هسته‌ای بین قدرت‌های بزرگ وجود دارد که مانع بروز جنگ در نظام بین‌الملل شده است. غرب (آمریکا و اروپا)، چین و روسیه سه قطب مهم این رابطه هستند. «کرایگ بر این باور است که عصر اتمی نوید بخش تحقق یک لویاتان جدید است. این لویاتان در شکل یک دولت تمام‌عیار جهانی نمایان نشده است. بلکه تمثیلی است که تأثیر تسلیحات هسته‌ای بر ساختار آنارشیکی بین‌المللی را توصیف می‌کند. سلاح‌های هسته‌ای شانس صلح درمیان قدرت‌های بزرگ را افزایش داده و سبب شده‌اند انتظار برای جنگ‌های بزرگ از سیستم رخت‌بند» (حاتمی، ۱۳۹۱: ۱۱). حضور نیروهای جدید هسته‌ای این توازن را برهم می‌زند. برنامه هسته‌ای ایران باعث تقابل این قدرت‌ها شده است. گرچه چین و روسیه در تکمیل برنامه هسته‌ای ایران به این کشور کمک کردند اما به علت فشارها و مخالفت آمریکا و اسرائیل، چین از ادامه همکاری با ساخت تأسیسات یو.سی.اف اصفهان به مبلغ ۱۱۰ میلیون

دلارمنصرف شد. روسیه بعدها در تکمیل نیروگاه های هسته ای ایران اقدام کرد اما هر دو کشور در قطع نامه های شورای امنیت علیه برنامه هسته ای ایران رأی صادر کردند. هر دو کشور عضو پیمان منع گسترش تسلیحات هسته ای هستند. در عین حال با تحریم های آمریکا و اروپا علیه ایران خارج از موازین شورای امنیت و هرگونه گزینه ی نظامی مخالفت دارند. در صورت حمله ی نظامی از سوی آمریکا یا اسرائیل به ایران، نفوذ چین و روسیه به عنوان اعضای تأثیرگذار در شورای امنیت نزد ایران کاهش می دهد و بازارهای اقتصادی هر دو را در آسیا دچار بحران می کند.

در عین حال هر دو کشور از تحریم ها علیه ایران تا حدودی سود می برند، به ویژه روسیه که جزء بزرگ ترین صادرکنندگان نفت و گاز به اتحادیه ی اروپا است. اروپا و روسیه گرچه روابط اقتصادی نزدیک دارند اما روی کرد و نگاه هر دو نسبت به تحولات بین المللی متفاوت است. روسیه دارای حق وتو در شورای امنیت است. در مقابل فرانسه و انگلیس تنها اعضای اروپایی حق وتو هستند و برای تمایلات فراقاره ای روسیه رقیب قوی محسوب می شوند. «از نظر اقتصادی روسیه سومین شریک تجاری اتحادیه ی اروپایی و مهم ترین تامین کننده ی محصولات انرژی اتحادیه و بازار بزرگی برای تولیدات و خدمات آن محسوب می شود. این کشور همچنین عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا و شورای اروپا است» (واعظی، ۱۳۸۷: ۳۶).

تحریم و انزوای ایران برای روسیه به مثابه شمشیر دولبه است؛ از یک سو به علت نقش روسیه در شورای امنیت، ایران به این کشور به عنوان متحد استراتژیک می نگرد و خواهان حمایت روسیه از منافع سیاسی، امنیتی و هسته ای خویش در مقابل غرب است در حالی که این نقش به طور متقابل برای روسیه متصور نیست و گرچه گسترش روابط اقتصادی و تجاری متقابل جزء اهداف روسیه در ایران است اما حفظ روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی با اروپا جزء اولویت های روسیه است. این کشور هم چنین خواهان ایفای نقش

برادر بزرگ برای کشورهای مسلمان هم جوار ایران از قبیل ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان است. هم چنین در فضای تحریم های بین المللی علیه ایران، منابع سرشار نفت و شیلات و رژیم حقوقی دریای خزر فدای اولویت های هسته ای خواهد شد. به خصوص که دریای خزر برای ایالات متحده ی آمریکا نیز اهمیت دارد. «با توجه به اهمیت انرژی در سیاست خارجی آمریکا دریای خزر به یکی از مهم ترین مناطق راهبردی برای آمریکا تبدیل شده است. دولت آمریکا با برآورد تولید روزانه ۴/۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۰ م. این منطقه را یکی از مهم ترین مناطق جهان در کاهش آسیب پذیری خود در برابر بازار جهانی نفت و متنوع کردن منابع انرژی خود تلقی کرده است.» (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۴).

تهدید نظامی آمریکا و اسرائیل باعث شده است ایران به سمت چین و روسیه گرایش پیدا کند. خرید تسلیحات نظامی از روسیه و حجم بالای مبادلات اقتصادی با چین وزنه ی معادله را به سمت دو کشور یادشده سنگین کرده است. اتحادیه ی اروپا بخشی از این تغییرات را نتیجه ی سیاست نامتعادل آمریکا در حمایت از مواضع اسرائیل و عدم تعامل با ایران می داند. اتحادیه ی اروپا به این مسأله واقف است که «امروزه توجه بازی گران برتر کمتر به میزان قدرت دیگر بازی گران عمده و یا به توانایی در بهره گیری از قدرت در اختیار بلکه بیشتر معطوف به ارزشها و در پی نیات آنان است» (دهشیار، ۱۳۸۶: ۷۷). بنابراین از نظر اتحادیه ی اروپا تهدیدات واقعی نه از سوی ایران بلکه از طرف رقبای سنتی مانند چین و روسیه است که از پرونده ی هسته ای و سیاست یک جانبه نگر آمریکا در خاورمیانه نهایت سود را می برند و در حوزه ی اقتصادی- سیاسی نفوذ خود را به شدت در این منطقه گسترش داده اند و قدرت اروپا را به چالش کشیده اند. در مقابل اسرائیل نیز از نقش روسیه، چین و حتی اروپا در حل پرونده ی هسته ای ایران بیم دارد چراکه هر سه طرف به عنوان وزنه ی متعادل کننده در مقابل قدرت ایالات متحده عمل می کنند که تنها متحد استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه بی ثبات تلقی می شود. عمده

نگرانی اسرائیل هسته ای شدن ایران است گرچه اسرائیل با بسیاری از کشورهای همسایه ی ایران روابط نزدیک دارد و خواهان محدودیت ایران در منطقه است. درمقابل «ایران نیز معتقد است که هرچند اسرائیل برای حضور مستقل در مرزهای شمالی ایران محدودیت هایی دارد اما مشکل این است که این کشور امکان اتحاد با همسایگان را پیدا کرده است و امکان حضور در مرزهای شمالی ایران بیشتر از گذشته برایش فراهم شده است» (نظامی پور، ۱۳۸۲: ۱۸). ایران مخالف تقویت رابطه ی همسایگان شمالی خود از جمله ترکیه با اسرائیل است گرچه رابطه ی اسرائیل و ترکیه تحت تأثیر حضور اسلام گرایان در این کشور کاهش پیدا کرده اما منافع و تهدیدات امنیتی مشترک از قبیل بحران داخلی سوریه، گسترش رادیکالیسم مذهبی و تروریسم و خطر ایران هسته ای و نفوذ روسیه در منطقه ی خاورمیانه آن ها را به هم پیوند زده است. «ادعاهایی مبنی بر دست یابی ایران به فناوری های هسته ای و موشک های دوربرد از منابع مختلف در جمهوری های سابق و بطور عمده روسیه منبع نگرانی مشترک ترکیه و اسرائیل قلمداد می شود و دو کشور در مخالفت با روسیه در این زمینه مواضع مشترک دارند» (همان: ۳۵). بنابراین برنامه ی هسته ای ایران نه تنها در ساختار توازن هسته ای بلکه در رابطه ی این کشورها با قدرت های منطقه ای نیز تأثیرگذار بوده است.

برنامه هسته ای ایران و چالش امنیتی اتحادیه ی اروپا

بخش مهمی از روابط هسته ای ایران و اتحادیه ی اروپا تحت تأثیر تهدیدها و منافع امنیتی طرفین است. اروپاییان بر این باور هستند که ایران هسته ای تمام معادلات فرامنطقه ای آنان را برهم خواهد زد. آن ها گرچه به اندازه ی آمریکا و اسرائیل از برنامه ی هسته ای ایران بیم ندارند و گزینه ی نظامی را در حل بحران هسته ای مناسب نمی دانند اما تهدیدهای محیطی از جانب ایران و کشورهای خاورمیانه برای اروپا اهمیت دارند.

بزرگ‌ترین دغدغه‌ی اروپا نسبت به جمهوری اسلامی دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای است چراکه از نظر آنان اگر ایران کنترل نشود، کشورهای همسایه نیز مجهز به تسلیحات اتمی خواهند شد (Meier, 2012: 33). بخش مهمی از امنیت خاورمیانه در گرو ایران غیرهسته‌ای است چرا که ایران هسته‌ای یعنی ترکیه، عربستان و مصر هسته‌ای. «امروزه به غیر از ۵ کشور بزرگ اتمی جهان ۲۸ کشور دیگر دارای موشک‌های بالستیک می‌باشند و کمتر از ۱۰ کشور توانایی تولید و نگهداری از موشک‌های خود را دارند و فقط ۵ کشور (هند، پاکستان، ایران، اسرائیل و کره شمالی) توانسته‌اند موشک‌هایی با برد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر را تولید کرده یا آزمایش پرتاب آنها را به انجام برسانند» (لطیفیان، ۱۳۸۴: ۶). قابلیت برد موشک‌های ایران می‌تواند تهدید امنیتی برای اسرائیل و اروپا تلقی شود.

از نظر غرب، ایران هسته‌ای چند چالش اساسی برای اتحادیه‌ی اروپا ایجاد خواهد

کرد:

۱- ماهیت اتحادیه‌ی اروپا غیر نظامی است و توسل به حوزه‌های اقتصادی و تجاری جزء اهداف استراتژیک این قاره است. هرگونه گزینه‌ی نظامی آمریکا و اسرائیل اتحادیه‌ی اروپا را نیز درگیر خواهد کرد که این موضوع در آینده‌ی سیاست خارجی این قاره تأثیرگذار خواهد بود.

۲- ایران هسته‌ای باعث ایجاد رژیم‌های امنیتی در خاورمیانه می‌شود که در دراز مدت می‌تواند برای امنیت اروپا تهدید باشد. «اعضای یک رژیم امنیتی ممکن است علیه یک قدرت سوم خارج از رژیم با یکدیگر متحد شوند. در واقع بطور تاریخی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی وجود تهدید از جانب قدرت در حال ظهور بوده است. در چنین شرایطی رژیم به وسیله یک اتحاد جایگزین می‌شود» (گراس اشتاین، ۱۳۸۴: ۶۹). این رژیم امنیتی می‌تواند عربی، ترکی - ترکی، اسرائیلی و

حتی شاید عربی-اسرائیلی باشد. هدف اتحادیه ی اروپا در منطقه ی خاورمیانه ایجاد تعادل بین بازی گران قدرتمند است که از طریق تعامل و هماهنگی با یک دیگر و نه تضاد، نظم مورد قبول اتحادیه را حفظ می کنند.

۳- همراهی اروپا با آمریکا و اسرائیل در هرگونه حمله ی احتمالی به ایران، باعث گسترش غرب ستیزی در بین جوامع مسلمان و تهدیدهای امنیتی علیه منافع اروپا نه تنها در خاورمیانه بلکه در عرصه ی بین المللی خواهد شد.

۴- اروپاییان معتقدند با توسعه ی برنامه هسته ای ایران کنوانسیون ها و قراردادهای منع گسترش و امحاء تسلیحات اتمی و شیمیایی در عمل ناکارآمد خواهد شد و نه تنها در حوزه ی خاورمیانه بلکه در سطح فرامنطقه ای ضمانت اجرا این کنوانسیون ها زیر پرسش خواهد رفت که این موضوع به صورت مستقیم با امنیت اروپا در ارتباط است.

۵- اروپاییان بر مشکلات و ایرادات تکنیکی و فنی که از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی بر ایران وارد شده است، تأکید می کنند و پاسخ گویی و شفافیت ایران را در راستای اعتماد سازی کافی نمی دانند و در مقابل ایران نیز با تأکید بر شفافیت حقوقی و فنی، ایرادات وارده را ناشی از رویکرد سیاسی غرب تلقی می کند.

۶- دیدگاه سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس که نقش برادر بزرگ را برای دیگر اعضای اتحادیه ی دارند در مورد ایران یکسان نیست. این کشورها هرچند در حوزه ی سیاست گذاری خارجی از اتحادیه ی پیروی می کنند اما واگرایی منافع فردی و قاره ای آن ها باعث شده در مقابل برنامه هسته ای ایران استراتژی ثابت نداشته باشند.

نتیجه گیری

ایران به دلیل پیش برد سیاست هسته ای با تغییرات اساسی در سیاست خارجی رو به رو است که این مسأله تهدیدها و فرصت های جدیدی پیش روی این کشور گذاشته اند. مهم

ترین مخالفان برنامه ی هسته ای که شامل آمریکا، اسرائیل، اتحادیه ی اروپا و همسایگان ایران هستند، سیاست هسته ای ایران را در تغییر توازن و عدم تعادل منطقه ای و جهانی موثر می دانند. نکته ی حایز اهمیت آن است که دلایل مستند جهت تولید تسلیحات هسته ای ایران از سوی مراکز رسمی و نهادهای بین المللی منتشر نشده است اما با فرض توانایی تولید اتمی توسط ایران، سیاست های هرکدام از شرکاء و رقبای منطقه ای ایران به سمت ائتلاف ها و حتی واگرایی تغییر یافته است. اتحادیه ی اروپا با توسل به نقش سازمان های بین المللی و سیاست خاورمیانه ای خواهان محدودیت در برنامه هسته ای ایران است اما استفاده از گزینه ی نظامی را به علت ایجاد بی ثباتی و غرب ستیزی و گسترش رادیکالیسم اسلامی موثر نمی داند و بر دیپلماسی تأکید می کند. برنامه هسته ای ایران باعث شده است که روابط تجاری، اقتصادی ایران و اروپا محدود شود اما بیم از ضررهای دوجانبه و حضور کشورهای چین و روسیه در خاورمیانه باعث شده است که اروپا درصدد حل مسالمت آمیز و تعاملی مسأله هسته ای ایران باشد. در مقابل، این امر عامل واگرایی در روابط اسرائیل و اتحادیه ی اروپا شده است چراکه اولویت های امنیتی هر دو متفاوت است و محدودیت های محیطی اسرائیل را به ایالات متحده ی بسیار نزدیک کرده است. با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت، ایران به سمت متحدان جدید درحوزه منطقه ای و بین المللی پیش می رود. اساس برنامه هسته ای بر دفاع از ارزش های انقلاب و هویت غرب ستیزی و استقلال گرایی دولت مردان ایران استوار است که این موضوع با مفهوم امنیت اروپایی، اسرائیلی و آمریکایی تقابل دارد و نتیجه امر تقویت موضع چین و روسیه و ورود بازی گران جدید به عرصه ی روابط طرفین مذاکره کننده بوده است.

منابع

- آریایی، مسعود، ۱۳۸۱، «بررسی نظام فکری - تبلیغاتی رهبران اسرائیل نسبت به ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان.
- اسدی، بیژن، ۱۳۸۲، «خلیج فارس و مسایل آن»، تهران، سمت، چاپ دوم.
- ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۸، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، نشر قومس، چاپ پنجم.
- امینی، آرمین، ۱۳۸۵، «دکترین امنیتی - راهبردی ایالات متحده ی آمریکا پس از یازدهم سپتامبر»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره چهارم، زمستان.
- ابراهیمی، شهروز، ۱۳۹۱، «بررسی واکنش های آمریکا و عربستان به خیزش مردمی در بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار.
- اسکندریان، مهدی، ۱۳۸۲، «کتاب اروپا»، تهران، ابرار معاصر، چاپ اول.
- اولام.آدام.ب، ۱۳۶۷، «سیاست و حکومت در شوروی»، ترجمه علیرضا طیب، تهران، طوس، چاپ اول.
- بزرگمهر، کیهان، ۱۳۸۶، «خاورمیانه و تروریسم جدید»، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال سوم، شماره چهارم، بهار.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۷، «بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی»، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- جعفری، علی اکبر، ۱۳۹۱، «مخالفت ایالات متحده ی امریکا با دانش هسته ای ایران و امنیت اسرائیل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار.
- خلیل اسعد، خالد، ۱۳۸۰، «بن لادن اورا نمی توان شناخت»، ترجمه حیدر سهیلی اصفهانی، تهران، نشر جام جم، چاپ دوم.

- حاتمی، محمدرضا، ۱۳۹۱، «تأثیر سلاح‌های هسته‌ای بر تداوم ساختار نامتوازن تک قطبی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان.
- حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۸۲، «سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، بهار.
- دارک، سدنی، ۱۳۷۸، «تاریخ رنسانس»، ترجمه احمد فرامرزی، تهران، دستان، چاپ دوم.
- درايسدل، آلسدایر، ۱۳۷۴، «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.
- دستمالچی، اصغر، ۱۳۸۳، «قانون اساسی اروپای متحد»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال هیجدهم، شماره هفتم و هشتم.
- دهشیار، حسین، ۱۳۸۶، «مدل‌های مرکزحیاتی و لحظه تک قطبی از لیبرالیسم قدرت نواز به نومحافظه کاری ایده نواز»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۴، بهار.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، ۱۳۹۰، «هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، ابرار معاصر، چاپ اول.
- روحانی، حسن، ۱۳۹۱، «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران»، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم.
- سیف زاده، حسین، ۱۳۸۲، «خاورمیانه در ۲۰۱۵ تأثیر روندهای منطقه‌ای بر برنامه ریزی استراتژیک»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۳۵، پاییز.
- شاپیر، بیفتاح اس، ۱۳۸۲، «راه حل‌های نامتعارف برای معماهای نامتعارف؟»، ترجمه احمد رشیدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، بهار.
- شکوهی آذر، فاطمه، ۱۳۸۴، «سیاست خارجی ایران و هم‌گرایی نظامی ترکیه - اسرائیل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۱، زمستان.
- «شورای غیردولتی روابط خارجی وابسته»، ۱۳۸۲، کتاب اروپا، تهران، ابرار معاصر.

ضیایی بیگدلی، محمد رضا، ۱۳۸۶، «حقوق بین الملل عمومی»، تهران، گنج دانش، چاپ سی و پنجم.

عالمی، نیسی، ۱۳۸۸، «چشم انداز گرایشات ایرانیان در دهه آتی»، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد، چاپ اول.

عزتی، عزت الله، ۱۳۸۳، «ژئواستراتژی»، تهران، سمت.

غریب آبادی، کاظم، ۱۳۸۷، «برنامه هسته ای ایران»، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

فریتیش بورنازل، رناتا، ۱۳۷۱، «تاریخ معاصر آلمان»، ترجمه طهماسب محتشم دولتشاهی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.

قاسمی، محمد علی، ۱۳۸۴، «ایران و خاورمیانه گفتارهایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز.

کاظمی، عای اصغر، ۱۳۷۸، «روابط بین الملل»، تهران، نشر قومس، چاپ سوم.

کراس، ا، ۱۳۸۴، «تابوها و رژیم های امنیتی منطقه ای»، ترجمه م. محمدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز.

کریمی فرد، حسین، ۱۳۸۸، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس مولفه های هویت ملی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره دوم، تابستان.

کوریک. جیمز. آ، ۱۳۸۲، «رنسانس»، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، چاپ سوم.

کولایی، الهه، ۱۳۸۴، «ناتو و امنیت آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳.

لطفیان، سعیده، ۱۳۸۸، «جنگ افزارهای کشتار جمعی و کنترل تسلیحات در خاورمیانه»، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار.

لطفیان، سعیده، ۱۳۸۴، «برآورد تهدید سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه و راه مقابله با آن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان.

لوییس، برنارد، ۱۳۸۰، «برخورد فرهنگ ها»، ترجمه بهمن دخت اویسی، فرزانه روز، تهران، چاپ دوم.

مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۰، «کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم.

نقیب زاده، احمد، ۱۳۸۲، «اتحادیه ی اروپا از آغاز تا امروز، تهران»، نشر قومس، چاپ اول.

نصری، قدیر، ۱۳۸۲، «منابع نفتی خاورمیانه، دشواری های تبدیل ثروت به قدرت»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۳۵، پاییز.

نظامی پور، قدیر، ۱۳۸۲، «آثار سیاست های منطقه ای روسیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۳، پاییز.

نقیب زاده، احمد، ۱۳۸۳، «سیاست دفاعی و مسایل نظامی اتحادیه ی اروپا»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال هیجدهم، شماره هفتم و هشتم.

نوین، پرویز، ۱۳۸۵، «انرژی اتمی و موازین حقوقی، تهران»، نشر تدریس، چاپ اول.

نهادندیان، محمد، ۱۳۸۶، سیاست های کلی جمهوری اسلامی در خصوص جهانی شدن، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، چاپ اول.

واعظی، محمود، ۱۳۸۷، «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه ی اروپا»، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.

واعظی، محمود، ۱۳۹۱، «روابط اتحادیه ی اروپا و قدرت های بزرگ»، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

Denza, Eileen. 2005. "Non-proliferation of Nuclear Weapons: The European Union and Iran". *European Foreign Affairs Review* 10, No. 32, pp 289-331.

Lasan, Nicoleta, 2014, "European Union Intervention in the Iranian Crisis -

A Sociological Institutional Perspective”, *Romanian Journal of European Affairs*, Vol. 14, No. 1, pp.49-67.

Meier, O., 2012 “European efforts to control the spread of enrichment and reprocessing technologies”, UNISCI Discussion Papers no. 30, October, pp. 27–43.available at <[http://www.ucm.es/info/unisci/revistas/UNISCI DP 30 - MEIER.pdf](http://www.ucm.es/info/unisci/revistas/UNISCI_DP_30_-_MEIER.pdf)>,

Shelala II Robert M , Brandon Fite, and Nori Kasting, 2013,“ US and Iranian Strategic Competition: The Impact of the EU, EU3, and non-EU” available at www.csis.org/files/publication/130404_eu_iran_chap_12.pdf